

سرباز وظیفه کم‌سن‌وسال را لب مرز نفرستید

مهرداد خدیر



تصویر بچه‌های معصوم و کم‌سن‌وسالی که در مرز به دست افراد مسلح قربانی شدند دست‌مایه تحلیل‌ها و تحلیل‌ها و حماسه‌سرایی‌ها شده و در عین حال این پرسش را هم برمی‌انگیزاند که چرا سربازانی که در مرز خدمت می‌کنند از فرزندان مقامات یا از خانواده‌های متمکن نیستند و هر چه خانواده‌ها ضعیف‌تر یا اهل مناطق دورافتاده‌تر باشد احتمال خدمت او در مرز بیشتر است؟

این که از لحظهٔ اعلام خبر کشته شدن این طفلک‌ها فیلم‌برداری کنند و سر کار خانم

الهام چرخنده برای خانواده‌های داغ‌دار سخنرانی کند هم اگرچه به کار تبلیغات و تهییج احساسات می‌آید اما فرزندان‌شان را به آغوش خانواده‌های عمداً فقیرشان باز نمی‌گرداند. ضمن این که خود تصویر بچه گانه احساسات را به قدر کافی تحریک می‌کند و نیاز به نطق و مرثیه نیست و کیست که با جانیان هم‌دلی و همراهی کند؟

مشخص است که مسؤلیت این جنایت با تروریست‌هایی است که از مرز پاکستان وارد ایران شده بودند و آدم کشتند. محل حادثه هم برچک مرزبانی «مزه‌سِر» در هنگ مرزی سراوان بوده؛ جایی در مرز ایران و پاکستان.

سه نفر از این بچه‌ها سرباز وظیفه بودند و دو نفر گروهیان یکم. یعنی آن سه نفر کم‌سن‌وسال تازه از پشت میز نیمکت مدرسه برخاسته بی‌هیچ تجربه نظامی و دفترچه سربازی گرفته و یک دوره بسیار کوتاه آموزش دیده و یک‌راست اعزام شده‌اند به کجا؟ به مرز.

به قیافه‌ها نگاه کنید. بر چهره برخی هنوز مویی نژسته‌است. بله، سه نفرشان سرباز وظیفه‌اند. گروهیان‌ها هم اگرچه جوان‌اند اما باز در محیط ارتش آموزش بیشتر دیده‌اند و در کادر نظامی‌ولو درجات پایین‌تر تعریف می‌شوند ولی از سن و صورت سربازان وظیفه مشخص است که چگونه طعمهٔ گرگ شده‌اند.

بچه‌های هیچ‌یک هم به شهرهای بزرگ منتقل نشده چون بعید است جوانی از تهران یا تبریز و رشت در خدمت سربازی سر از مرز درآورد دوران خدمت مقدس را آنجا سپری کند. خدمت سربازی هم در این دیار جلوهٔ دیگری از عدالتی است که در تریبون‌ها فریاد می‌شود. از تمکن خانواده می‌شود حدس زد محل خدمت تا خانه چقدر فاصله دارد!

این که مرثیه‌سرایی کنیم یا یک تیم طلبه بفرستیم تا تضمین دهند آنها به شهادت رسیده‌اند و به خانواده تسلی خاطر بدهند کافی نیست و چه بسا چنان که همکارمان نوشت مصداق تعرض به حریم خصوصی خانواده‌ها هم باشد.

وقتی خبرنگاران ورزشی از مصاحبه با مربی کنار زمین منع شده اند چون تحت فشار عصبی است و نشست خبری برپا می‌کنند تا قدری آرام گرفته و لیوان آبی نوشیده و بر اعصاب خود مسلط شده باشد چگونه دوربین به دست می‌توان وارد خانه کسی شد که قرار است خبر کشته شدن جگرگوشه‌اش را بشنود؟ چی را می‌خواهید فیلم بگیرید؟ آوار شدن دنیا روی سرش را؟ از هر حادثه‌ای می‌خواهید تفسیر ایدئولوژیک کنید؟

واقعیت عیان و عریان این است که بچه‌های کم سن وسال را فرستاده‌ایم لب مرز تا مرزبانی کنند و سوداگران مرگ آنها را کشته‌اند. جنایت‌کاری آنان منکر این واقعیت نیست که این عرصه، نیروی ماهرتری می‌طلبد.

نمی‌خواهم بگویم سربازان وظیفه شهرهای بزرگ را هم لب مرز بفرستید. نه تهرانی و رشتی و شیرازی هم لب مرز برود برای این کار ماهر نیست.

بچه‌های کم سن وسال را لب مرز و به جنگ گرگ‌ها نفرستید چون اگر اتفاق بدی بیفتد که افتاد تفاوتی ندارد سخنران مراسم الهام چرخنده باشد یا ابوالقاسم پاینده.

راستی خوب است آماری هم گرفته شود تا بدانیم سربازان وظیفه که درمرز و نقاط خطرناک خدمت می‌کنند از چه خانواده‌هایی برخاسته‌اند.

روزگاری رسم بود که هر گاه از مقامی‌می‌پرسیدند اهل موسیقی هست یا نه برای خالی نبودن عریضه می‌گفت شجریان و البته این مربوط به قبل ۸۸ بود و اگر دوران مسوولیت او رو به پایان بود هم وقتی می‌پرسیدند بعد از آن به چه کاری مشغول خواهید شد یا توضعی غالباً نظاهری می‌گفت مهم خدمت است هر جا باشد. حتی در پادگانی مرزی.

عین این جمله را یک بار آقای ناطق نوری هم گفت و دیگران نیز ولی نه خود مسؤولان حاضرند به پادگان مرزی بروند و نه هیچ یک از فرزندان آنان لب مرز خدمت می‌کنند.

اشتیاه نشود، این یک یادداشت درباره خدمت اجباری نیست که مثل حجاب اجباری حیثیتی شده است.

دربارهٔ ممانعت سربازی از تشکیل خانواده هم نیست تا کسانی که به فرزندآوری تشویق می‌کنند تدبیری ببیندیشند. خیلی از دخترها منتظر ازدواج با پسری هستند که خدمت نرفته. خیلی از جوانان که دوست دارند به ایران برگردند به خاطر سربازی بر نمی‌گردند.

یکی از دلایل جدی نارضایتی جوانان همین خدمت سربازی است که احساساتنلاف وقت و تحقیر به جوانانی می‌دهد که مدرک لیسانس فوق لیسانس آنها را به هیچ می‌گیرند و می‌گویند یا بکوب و اطاعت کن. هر چند همان‌هایی که وقت‌شان در این پادگان‌ها تلف می‌شود حالا خدا را شکر می‌کنند که دست‌کم جان‌شان در امان است و طعمه گرگ‌های لب‌مرز نمی‌شوند.

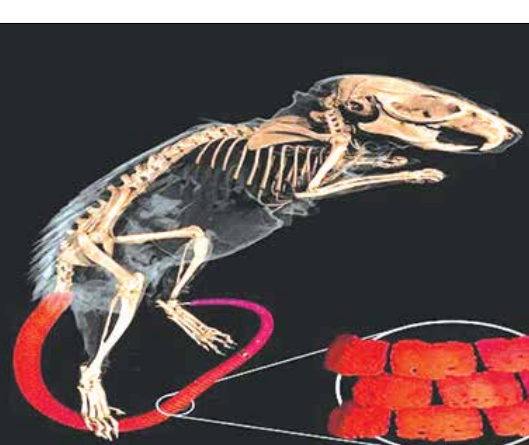
این یادداشت تحت تاثیر چهره‌های کودکانه و معصوم جوانانی است که لب مرز طعمه گرگ‌هایی شدند که برای رسیدن به منافع خود به هیچ کس رحم نمی‌کنند.

نیرو بفرستید و آن نابه‌کاران را تارومار کنید. اما نیروی کارآزموده نه سرباز وظیفه‌ای که پشت لب او هنوز سبز نشده… به عکس‌ها نگاه کنید. دل آدم کباب می‌شود…

منبع: عصر ایران

دانستی‌ها

کشف زره زیر پوستی در موش خاردار آفریقایی!



دانشمندان کشف کرده‌اند که موش‌های خاردار آفریقایی دارای استخوان‌های زره مانند‌ی در زیر پوست خود هستند که این موضوع درک مسا از سازگاری و تکامل پستانداران را به چالش می‌کشد. به گزارش اسپنا و به نقل از آی‌ای، اگر چه پستانداران به داشتن مو معروف هستند، اما یک گونه از جوندگان با داشتن یک ویژگی متمایز که در زیر پوست آنها قرار دارد، دانشمندان را شگفت زده کرده است. موش‌های خاردار آفریقایی که قبلاً تصور می‌شد فاقد هر گونه ویژگی متمایزی هستند، اکنون کشف شده است که استخوان‌هایی شبیه به

آرمادیلوس موسوم به استودرم در زیر پوست خود دارند. این کشف که در مجله iScience گزارش شده است، بیشی تازه از انواع سازگاری‌های پستانداران ارائه می‌کند. کشف استودرم در دم موش‌های خاردار آفریقایی توسط پژوهشگران به طور تصادفی طی سی‌تی اسکن در موزه حاصل شده است.

ادوارد استنتلی، رئیس آزمایشگاه تصویربرداری دیجیتال در موزه تاریخ طبیعی فلوریدا و از نویسندگان این مطالعه این استودرم‌ها را کشف کرد که دیدگاه جدیدی را به مطالعه این جوندگان اضافه کرده است. وی می‌گوید: کل دوره دکتری من بر روی توسعه استودرم در مارمولک‌ها متمرکز بود و هنگامی که اسکن این نمونه پردازش شد، دیدم که دم آن به وضوح با استودرم پوشانده شده بود.

کشف استودرم در موش‌های خاردار آفریقایی، خطوط جدیدی را برای بررسی ویژگی‌های متمایز آن‌ها باز می‌کند. موش‌های خاردار به خاطر قدرت بازسازی خارق‌العاده‌شان شهرت دارند که به آن‌ها اجازه می‌دهد بافت‌های بدن خود را سریع‌تر از سایر پستانداران و بدون بر جای گذاشتن جای زخم ترمیم کنند.

پژوهشگران در حال بررسی فرایندهای ژنتیکی هستند که این قدرت شفابخش فوق‌العاده را ممکن می‌سازد، زیرا ممکن است به عنوان الگویی برای بازسازی بافت انسان عمل کنند.

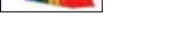
طرح روز

ناهید مقصدی



بدون شرح

چهره‌ها



علامه قزوینی، ادیب بزرگ ایرانی



میرزا محمّد بن عبدالوهاب قزوینی مشهور به علامّه قزوینی (۱۱ فروردین ۱۲۵۶ تهران – ۶ خرداد ۱۳۲۸ تهران)، ادیب و پژوهشگر تاریخ و فرهنگ ایران بود.

محمّد قزوینی در یازدهم فروردین ۱۲۵۶ خورشیدی در تهران در محله دروازه قزوین به دنیا آمد. پدر و اجدادش از اهل قلم و فرهنگ بودند. پدر بزرگ او ملا عبدالعلی قزوینی از دانشمندان قزوین بود. پدرش ملا عبدالوهاب قزوینی معروف به «ملا آقای قزوینی» اصلاً اهل بلوک بشاریات (اکنون بخش بشاریات) بود که با کوشش شخصی صاحب مرتب‌های در دانش و ادب شد و به تهران آمد و در مدرسه معیرالممالک درس می‌داد.

پدر محمد قزوینی در ۱۲۶۷ درگذشت. محمد در این زمان دوازده ساله بود و به کمک شمس‌العلماء به جای پدر در تدوین نامه دانشوران شرکت کرد تا کمک معاش خانواده باشد. او صرف و نحو و فقه و کلام و حکمت را نخست نزد پدر و سپس نزد استادان دیگر مانند شیخ فضل‌الله نوری و میرزا حسن آشتیانی و ملا محمد املی تحصیل کرد. او از محضر ادیب پیشاوری و شیخ‌های نجم‌آبادی نیز برخوردار شد.

در مدرسه معیرالملک حجرهای گرفت و طلبه شد. زیر نظر شمس‌العلماء در علوم اسلامی و هیئت و ریاضی و تاریخ و ادب و رجال و غروض و قافیه متبحر شد. بعد در مدرسه آلیانس تهران به فراگیری زبان فرانسه پرداخت. همچنین به آموزش عربی به دوستان و آشنایان جوان خود پرداخت. فرزندان شیخ فضل‌الله نوری ضیاءالدین و میرزاهادی مدت سه سال نحو و محمدعلی فروغی و برادرش ابوالحسن فروغی از او عربی آموختند و خود به دیگر معلمات او، از جمله در زبان فرانسه، افزودند. پدر فروغی‌ها یعنی میرزا محمدحسین فروغی او را به همکاری در روزنامه تربیت تشویق کرد و او را با روش کار و تحقیق ادبی و تاریخی اروپاییان آشنا ساخت. به زودی شهرتی در زمینه‌های مختلف ادبی پیدا کرد و به خصوص در نحو عربی چهره‌ای شاخص شد. در تألیف بخش تاریخ اسلام در کتاب تاریخ مفصل ایران که کتاب درسی مدارس بود شرکت داشت.

محمد قزوینی در سال ۱۳۱۸ با توجه به مشکلاتی که اتباع خارجی مقیم در اروپا به علت بروز جنگ جهانی دوم گرفتار آن شده بودند، تصمیم به بازگشت به ایران گرفت و بعد از سسی و شش سال اقامت در خارج از ایران، در مهر ماه آن سال برای اقامت دائم به ایران بازگشت. در ایران نیز تمام اوقات او صرف مطالعه و تحقیق و تصحیح متون کهن می‌شد. تصحیح دیوان حافظ با همکاری قاسم غنی یادگار دوره اقامت او در تهران است.

علامه محمد قزوینی در ۶ خرداد سال ۱۳۲۸ در تهران درگذشت و در شاه‌عبدالعظیم در کنار مزار ابوالفتح رازی دفن شد.

پرویز بهرام، دوبلور بزرگ

پرویز بهرام (زادهٔ ۴ مرداد ۱۳۱۲ در تهران – درگذشتهٔ ۶ خرداد ۱۳۹۸ در تهران) دوبلور، مدیر دوبلاژ، نویسنده، صدابنشه رادیو و هنرپیشه تئاتر اهل ایران بود.

پرویز بهرام در ۴ مرداد ۱۳۱۲ در محله درخونگاه تهران زاده شد و به واسطه شغل پدرش، او را هم به بابل بردند و شناسنامه‌اش را هم در بابل گرفتند. او به مدت ۷ سال، ساکن محله بی سرتکبه شهر بابل بود. علی‌اکبر بهرام، پدر پرویز بهرام از هنرمندان رشته گچ‌بری و آینه‌کاری و مجسمه‌سازی بود که نمونه‌های موجود در کاخ گلستان از آثار او است.

او کار دوبله را از اواخر دهه ۱۳۲۰ (خورشیدی) و از طریق ملاقاتی که با دوستان خود، هوشنگ لطیف‌پور و جعفر والی داشت، و همچنین حضور در دوبله فیلم ایتالیایی هنرپیشه آغاز کرد.

صدای او از جمله صداهای ماندگار دوبله ایران بود. یکی از ماندگارترین نمونه کارهای وی، گویندگی به عنوان راوی در مستند «جاده ابریشم» می‌باشد که مورد توجه ایرانیان قرار گرفته‌است. پرویز بهرام کار دوبله را با ایرج رضایی و هوشنگ لطیف‌پور آغاز کرد.

او در همان ابتدای کار با ایرج رضایی به گویندگی به جای نقش‌های اول فیلم‌ها می‌پرداخت. همچنین آزمون دوبله در ایتالیا را با موفقیت پشت سر گذاشت؛ هرچند به دلایل خانوادگی از رفتن به ایتالیا صرف نظر کرد. در دوبله فیلم اتللو یا بازی سرگرمی بانداچوک که توسط هوشنگ لطیف‌پور در اوایل دهه ۱۳۳۰ (خورشیدی) انجام شد با فرستادن نمونه صدا از چندین گوینده به مسکو، صدای پرویز بهرام توسط کارگردان فیلم و همچنین شخص سرگرمی بانداچوک برای این نقش (اتللو) انتخاب شد.

پرویز بهرام که سال‌ها به صورت عام‌المنفعه به وکالت اشتغال داشته در مورد انتخاب این شغل گفته‌است که وکالت را به دلیل هنر دراماتیکی که در نفس وکالت وجود داشت انتخاب کرد، زیرا که یک وکیل باید بیان خوبی داشته باشد. حرفه هنرپیشگی و بیان خوب بخشی از کار وکالت است.

پرویز بهرام اهل هنر بودن (شناخت هنر) و بر خورداری از مطالعات هنری را در کنار شناخت موسیقی، بازیگری، کارگردانی و فیلم از مشخصات یک مدیر دوبلاژ شایسته و ممتاز می‌دانست و چیدمان درست گویندگان را هنر بزرگ یک مدیر دوبلاژ می‌دانست. داشتن ترجمه‌های خوب و در واقع مترجمین هر چه بهتر و باسوادتر و رعایت حقوق مادی و معنوی گویندگان فیلم‌ها و مدیران دوبلاژ از مواردی است که پرویز بهرام برای موفقیت دوبله در آینده توصیه می‌کرد.

پرویز بهرام که از سال ۱۳۹۳ درگیر بیماری سرطان بود، ساعت ۸ صبح روز ۶ خرداد ۱۳۹۸ در خانه شخصی خود در تهران درگذشت.

مردم‌سالاری

روزنامه اجتماع – **سیاسه** – **فرهنگ** و **اقتصادی**

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری مردم سالاری
مدیر مسئول:مصطفی کواکبیان
نشانی اینترنتی: www.mardomsalari.net
نشانی تلگرام: mardomsalaridaily
نشانی اینستاگرام: mardomsalaridaily1

آدرس تحریریه: اتوبان شیخ فضل‌الله نوری شمال به جنوب خروجی خیابان سازمان آب – خیابان حاجی‌یوزاسیر – کوچه چهارده – پلاک ۱
تلفن: ۲۹- ۸۸۲۸۲۲۶
فکس: ۰۴- ۸۸۲۴۲۰۴
رنه روزنامه: ۲

توزیع: نشر گستر امروز – تلفن: ۶۱۹۳۳۳۳۳
چاپ: نشر رحمان – تلفن: ۰۴- ۶۵۵۸۶۸۰۱

ادان صحیح: ۳۰۸ طلوع آفتاب: ۵/۵۲
ادان ظهر: ۱/۱۲
ادان مغرب: ۱۹۳۰
شبه‌خرداد: ۱۴۰۲
۷۰-۵۱
تقویمه ۱۴۴۴ – ۳۷ می ۲۰۲۳ – شماره ۵۱۹۶

حدیث روز

حضرت محمد(ص):

وقتی صبح فرا رسد همه اعضای تن در مقابل زبان تنظیم کنند و گویند درباره ماه از خدا بترس زیرا صلاح کار ما به تو وابسته است، اگر به استقامت گرایندی ما نیز به استقامت گراییم و اگر به جحی متمایل شدی ما نیز کج شویم.

(بیح‌الصحاح)

روزنامه‌یازی

روزنامه اطلاعات – ۶ خرداد ۱۳۵۸



«از ضاربان هاشمی رفسنجانی اطلاعات وسیعی به دست آمد»؛ این تیتر اول روزنامه اطلاعات درباره ترور هاشمی رفسنجانی بود. این روزنامه عکسی از زمان خروج همسر هاشمی از بیمارستان را هم در صفحه اول خود منتشر کرده بود. وی که ناجی‌هاشمی بود از رفغ خطر، خبر داده بود.

از دیگر تیترهای این روزنامه، این بود که آمریکا مداخله خود در ترور رفسنجانی را تکذیب کرد. شب ۴ خرداد ۱۳۵۸ دو نفر به درب منزل هاشمی رفسنجانی مراجعه می‌کنند و اظهار می‌دارند که ما حامل پیام خصوصی برای آقای هاشمی رفسنجانی هستیم.

محافظین به آنان اجازه ورود می‌دهند و پس از نشستن در اتاق و حرکات غیرعادی مراجعه‌کنندگان، آقای‌هاشمی‌به قصد آنان آگاه می‌شود و با آنان درگیر می‌شود. این ترور توسط گروه فرقان صورت گرفت و بعدها تروریست‌های فرقان دستگیر شدند، قبل ازهاشمی‌رفسنجانی، شهید مرتضی مطهری و تیمسار قرنی در آغاز سال ۱۳۵۸ توسط فرقان ترور شده بودند.

فیلم‌بازی

برف‌شکن



برف‌شکن فیلمی علمی-تخیلی اکشن، به کارگردانی بونگ جون هو و محصول سال ۲۰۱۲ کره جنوبی می‌باشد. این فیلم براساس یک رمان گرافیک فرانسوی با همین عنوان، ساخته شده و نویسنده‌گی فیلمنامه آن را بونگ با همراهی کلی ماسترسون بر عهده داشته‌اند. این فیلم، اولین فیلم انگلیسی‌زبان بونگ محسوب می‌شود و حدود ۸۰ درصد آن به زبان انگلیسی فیلم‌برداری گردیده‌است.

داستان فیلم در مورد قطار برف‌شکنی می‌باشد که در پی زخم‌داد عسمر نوین یخبندان در زمین، آخرین بازمانده‌های بشر را در خود جای داده‌است. برف‌شکن، رضایت عموم را برانگیخت و از لحاظ جلوه‌های بصری و کارگردانی، مورد تحسین گسترده‌ای واقع شد. این فیلم تلاش کرده است تا روابط بین طبقات مختلف جامعه و نظام طبقاتی حاکم بر آن را به تصویر بکشد.

متن آگهی ساختمان اداری بعثت

اداره آموزش و پرورش منطقه ۱ در نظر دارد ، ملک موصوف به ساختمان اداری بعثت ، واقع درخیابان شریعتی – الهیه رو به روی دادسرا را برای مدت یک سال به صورت اجاره با قیمت پایه ماهانه ۹۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال واگذار نماید .

شماره مزایده در سامانه ستاد ایران : ۰۴۰۰۰۴۹۰۰۰۲۰۳۰۵۰۰۰

متمقاضیان از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ۴ روز جهت دریافت اسناد و مدارک مزایده و ۱۰ روز جهت ارسال پیشنهاد قیمت مهلت دارند . به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت مراجعه و قیمت پیشنهادی خود را در سامانه بارگزاری و اصل ضمانت نامه شرکت در مزایده و مدارک لازم را به دیسبایی اداره آموزش و پرورش منطقه ۱ تحویل نمایند .

شناسه آگهی: ۱۴۹۵۳۴۰

م.الف: ۵۹۵

فناوری

با هوش مصنوعی مرده‌ها را زنده کنید!

نشان می‌دهد. کارشناسان هوش مصنوعی معتقدند که این ردهای دیجیتالی، تقریباً برای ساخت یک نسخه کپی از ما که پس از درگذشتنمان بتواند به دوستان و عزیزانمان چت کند و ارتباط داشته باشد کافی است.

کارشناسان فناوری و درمانگران غم و اندوه در حال بحث در مورد این ایده هستند که آیا فناوری و مشخصاً هوش مصنوعی می‌تواند به غم و اندوه از دست دادن افراد کمک کند یا خیر. کارشناسان فناوری معتقدند که طراحی یک کپی دیجیتالی از کسی که از دنیا رفته با شبیه‌سازی صدا و تصویر آن‌ها می‌تواند در پذیرش بهتر مرگ برای اطرافیانش کمک کند و این فناوری به زودی در دسترس عموم قرار خواهد گرفت. این پیشنهاد کارشناسان فناوری باعث بحث‌های زیادی در توئیتر شده است.

ظهور و توسعه‌ی ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی مولد در چین، عده‌ای را به فکر زنده کردن عزیزان از فرستاده انداخته است. این توسعه‌دهندگان، اطلاعاتی مانند تصاویر، ویدیوها و صداهایی از فرد متوفی را جمع آوری

و توسعه‌ی فناوری هوش مصنوعی باعث شده تا بسیاری از افراد بتوانند به‌ فکر ممکن کردن دیدها و آرزوهای متفاوتی که تا پیش از این ناممکن به نظر می‌رسیدند بيفتنند. زنده کردن مردگان و برقراری ارتباط با آن‌ها، از دیرباز یکی از آرزوهای بلندپروازانه‌ی انسان‌ها بوده و حالا با توسعه‌ی فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی مولد، این آرزوی دور از دسترس کم‌کم دارد شکل واقعیت به خود می‌گیرد.

یک کپی همه‌ی ما زمان زیادی را صرف استفاده از شبکه‌های اجتماعی و به اشتراک گذاشتن افکار یا تصاویرمان می‌کنیم. علاوه بر این، به بسیاری از مسازدی که دیگران به اشتراک می‌گذارند هم واکنش نشان می‌دهیم؛ پست‌هایی که می‌پسندیم را لایک می‌کنیم و برای پست‌های دیگران کامنت می‌گذاریم. ما حتی آن‌ها را بازنشر می‌کنیم. این رفتارها یا به عبارت صحیح‌تر، ردهای دیجیتالی ما اگر رصد و جمع آوری و پردازش شود، اطلاعات زیادی را درخصوص شخصیت حقیقی‌مان یا حداقل کسی که وانمود می‌کنیم هستیم را